

نویسند

(وابسته به حزب نسوده ایسران)

شماره ۱۴ - شنبه ۱۷ دیماه ۱۳۵۱

تحلیلی از آشوب‌های اخیر و محرک‌ها و هدف‌های آن ...

چه کسی سنگ می اندازد؟



در نیمه های شب به شیشه ششم دیماه سردی وارد خوابگاه دختران دانشجو می شود. جیراج‌ها را روشن می کند و با سر و صدا های و هوی عمدی دختران را از خواب بیدار می کند و جلوی چشم آن‌ها درها را با لگدی کوبد. شیشه پنجره ها را می شکند، سرها را واژگی می سازد و شعارهای تند سیاسی می دهد و دفتر خوابگاه را به هم می ریزد و آنگاه به انتظار می ایستد ... در تاقی بعد ماموران گارد دانشگاه در آن دوران سر می ریزند، مهاجم ناخن‌سرا کسان کشان با خود می برند و در این حال او را زیر بسازان دشنام و تکرگ انواع تهدید می گویند. دانشجویان خواب‌آلود با حیرت ناظر این صحنه می سابقه اند. چندتن از دختران دانشجو از سر کجکوبی به دنبال ماموران و مهاجم دستگیر شده می روند. در محوطه تارک حلقوی خوابگاه ماموران به خیال این‌که کسی جرات آن‌ها نیست، دست از گریبان مهاجم بر می دارند. همه با هم شروع به خنده می کنند. یکی از گاردیها از جوان می پرسد:

— خوب همه چیز را به هم ریختی؟
جوان به علامت تصدیق سر تکان می دهد. یکی دیگر از گاردیها با لحن دوستانه ای پیشنهاد می کند:

— برویم دفتر یک چای با هم بخوریم ...

دنباله در صفحه ۲

حادثه فوق که جزئیات آن از طرفی چند شاهد عینی نقل شده در چهار روزنامه صبح و عصر کشور، به یک انشاء واحد، عیناً چنین شکستند:

در ساعت ۲ بعد از ۱۰/۱۰/۳۶ یکی از دانشجویان دانشکده علوم ساکن کوی دانشگاه با شکستن شیشه در ورودی یکی از خوابگاه‌های دختران واقع در امیرآباد وارد خوابگاه شد و پس از اطمینان سیم تلفن و آیفون، چند جام از شیشه های خوابگاه را شکست و سپس به دفتر سرپرستی کوی مراجعه و در حال شکستن وسایل موجود در دفتر، توسط ماموران گارد دانشگاه دستگیر و چون هنگام شکستن شیشه ها زخمی شده بود، در بیمارستان بستری گردید.

این حادثه چه معنی می دهد؟ واضح است:

روزم آشوب صحنه‌ی به راه می اندازد، حادثه آفرینی می کند، روزنامه دانشجو شیشه ها و پنجره ها را شکستد، سواران دانشجو می شکند، به بانکها و موسسات عمومی و خصوصی یورش می برد، ماموران نقابدار و ایدار تار شاهراه ایوب انو میبسل مشاور راهنامی کوی دانشگاه تهران را خنوف کنند او را به یاد کتک بکوبند و آنگاه در روزنامه های دست آمده زین پیامبرانه غیبگویی می کند که مهاجمان متواری شده، دانشجو بوده اند ...

و عجب این که همه این صحنه سازها و طعمیانی می دستور در روزنامه های ساواک زده که از نظر سازمان خفقان مسخرین گرفته اند، با آپ و تاپ نقل می شود! (البته در همه روزنامه ها بانک انشاء و یک من گهشته ای!)
آیا چای این همه خیر ریز و درشت از جوداتی که ناچند می پیش‌کنتر سئونه ای: آن به حراب‌دهای یافت، به خودی خود شک انگیز نیست؟ شاید به مرحمت جلا در ناخدا از شیخ سانسور

تهران، پایتخت توطئه جهانی

در لایه‌ی خروارها تلق و ستایش و پرکوبی های دیپلماتیک پدید آمده بود، به توجیه به رابطه هر یک از این مهمانان سرشناس با بحران ها و مسائل منطقه‌ای جهانی می توان به اهدای وسایل مذکرات چند جانبه تهران می بود. مذکرات سری "زیاد باره" با شاه پس از آمدن گارت و گفت و گوهای خصوصی روسی چند ساعتی او، به طور غیر مستقیم در صاحب طبوغاتی انبوهی که در کوی بهک شاه در این صاحبه علنا به دولت انگلیز انبوهی که در کوی بهک جنگ وسیع تداعی استاختار کرد: "مانی توأمین نسبت به تجاوزه مرزهای سوامی بی تفاوت بمانیم. در این جمله کوتاه عصاره تمامی خشم و کین ارتجاع و جلوه ای از سبیه ای که ارتجاع منطقه با همکاری امپریالیسم بانکی برای درهم شکستن مقاومت خلق مبارزانموسی جدید است، نمایان شد. انبوهی، به ناسبت مودت مهم استراتژیست آن در افریقا و کنترل طبیعی اثر بر آبراه دریای سوخ، در پرتویک انقلاب ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی، به صورت خاری در چشم امپریالیسم جهانی و ارتجاع محلی، به ویژه ارتجاع عرب در آمده است. از امریکای امپریالیست و تاچمن مائو زده، بحر و سودان و عربستان سعودی و چین شمالی و سوامی و از چندی پیش شاه ایران، برای محو شعله های این انقلاب که عدالت به نیروی دهقانان آزاد شده و کارگران زخم‌کنان شهر و روشنفکران تکیه دارد، دست در دست هم نهاده اند. در حالی که سربازان سوامی و ارتش سوامی علنا مستقیماً در داخل خاک انبوهی (اوقی در لایه و دوی در صراط‌القدان) سرگرم می جنگ اند اختار شاه ایران به دولت انقلابی انبوهی که هیچ اختلا

دنباله در صفحه ۳

تفسیری پیرامون سفر زیاد باره،
ملک حسین، کارتر و نیز مسافرت
پنهانی موشه دیان به تهران ...

تهران در غنّه گشته پایتخت توطئه های جهانی و منطقه کزه سیاست های امپریالیستی و ارتدوکی در منطقه بود. سفرهای همزمان زیاد باره، رئیس جمهوری سوامی، ملک حسین، پادشاه اردن، حسی، کارتر رئیس جمهوری امریکا و نیز خیر می سرودی موشه دیان و یزقات سری اوشانه که در نهایتاً اختلا صورت گرفت، و سپس سفر ژنرال خیال الحق، برهبر کرد تا حیوان مرتجع پاکستان، از تدارک توطئه ها و تیا تری های ناسا لیم سو، ظن انگیزی خبر می دهد. در حالی که سفر موشه دیان که رادیو سو لندن در گفتار شب ۷ دیماه از آن برده برداشت، با سکوت کامل و حتی تخاصی محافظ رسمی ایران روبرو شد، در باره انگیزه ها و نتایج ای سفر دیگر رهبران مهمان نیز جز تعارفات رسمی و به به وجهه های بی‌خواصیت و در اغلامه های رسمی طلبیب زیادی منتشر نشد. از خلال همین رگه ها موضوعات جنسی که